

# قاعده لاضرر

## مفاد

هر چیزی که موجب ضرر به خود یا دیگری شود در شریعت نهی شده است  
لاضرر و لا ضرار

### معنای لفظ

#### ضرر

- نقصان در شیء
- سوء حال
- نقص در حق

همه معانی به نقصان برمیگردد

#### ضرار

- همان معنای ضرر را دارد - برای تاکید آمده
- ضرر شدید
- اضرار (ضرر زدن) در مقابل اضرار
- آسیب رساندن عمدی
- تشدید

## ادله

### آیات

- عقل: مستقلات عقلیه که بدون حکم شرع خود عقل به آن می رسد
- بقره، 233: لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ
- بقره، 231: وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا
- نساء، 12: مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارًّا
- بقره، 282: وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ

### روایات

برای این قاعده روایات بسیاری با مضمون لاضرر رسیده است که البته همگی به یک لفظ نیستند، مشهورترین آن روایت سمره بن جندب است که خلاصه اش چنین است که سمره درخت خرمايي در خانه یکی از انصار داشت و هر روز بدون اجازه به خانه مرد انصاری میرفت تا اینکه مرد انصاری به پیامبر شکایت کرد و پیامبر هم به سمره در مقابل آن درخت پیشنهاداتی داد که سمره قبول نکرد تا این که رسول الله (ص) به او فرمود: «أَنْتَكَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَلَا ضَرَرٌ وَلَا ضِرَارٌ عَلَيَّ مُؤْمِنٌ»؛ یعنی تو مرد ضررزننده ای هستی، و به مؤمن کسی نباید ضرر بزندی. بعد از آن دستور داد آن درخت را کنند و نزد سمره انداختند کافی، ج ۵، کتاب المعیشه، باب ضرار، حدیث ۲

## مسائل

اشکال: [صغری:] این قاعده دچار تخصیص اکثر شده است (در احکام شریعت برخی موارد همچون صوم و حدود دچار ضرر میشوند) [کبری:] و دلیلی که تخصیص اکثر شده باشد ضعیف است و این ضعف را باید بوسیله شهرت جبران کنیم، [نتیجه:] پس به قاعده لاضرر تنها در جایی میتوانیم عمل کنیم که فقها و مشهور به آن عمل کرده باشند /// پاسخ: لاضرر بر ادله احکام اولی حاکم است منتهی به آن احکام اولی که طبعشان به ضرر نباشد پس مثل حدود شامل این قاعده نمیشود

لاضرر بر تمام ادله احکام اولیه حکومت دارد بخلاف حضرت امام ره که میگوید این قاعده تنها ناظر بر قاعده تسلط است

### برخی ملاک ضرر در قاعده را

- ضرر نوعی میدانند همچون شیخ انصاری
- ضرر شخصی میدانند همچون مرحوم نائینی و خوئی و شهید صدر
- قائل به تفصیل همچون میرزا حبیب الله رشتی: برخی موارد ضرر نوعی (معاملات) و در برخی ضرر شخصی (امور عبادی و فردی) است

## تطبيق

قال شيخ الطائفة في مسألة خيار الغبن: إذا اشتَرِ فَبَان لَه الغبن فيه، كان له الخيار إذا كان مما لم تجرى العادة بمثله إلا أن يكون عالماً بذلك، فيكون العقد ماضياً، لا رجوع له فيه و قال أبو حنيفة و الشافعي معاً: ليس له الخيار، سواء كان الغبن قليلاً أو كثيراً. و قال مالك: إن كان الغبن دون الثلث فلا خيار له، و إن كان الثلث مما فوَّقه كان له الخيار. و به قال أبو يوسف و زفر. دليلاً: ما روى عن النبي صلى الله عليه و آله انه قال: (لا ضرر و لا ضرار) و هذا ضرر، لانه إذا اشتَر، ما يساوي عشرة مائة فان ذلك غاية الضرر، و قول النبي يبطله